

## Examining the Concept of “Divine Trial” in the Qur’ān and Its Relation to Individual and Social Development

Fatemeh Mohammadi<sup>1</sup>, Zahra Abbasi<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Qur’anic Sciences and Hadith, Hazrat Narjes Faculty, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran (Corresponding Author) Email: [f.mahammadi@vru.ac.ir](mailto:f.mahammadi@vru.ac.ir)
2. PhD Candidate in Fiqh and Principles of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran Email: [Zahraabbasi221361@iau.ac.ir](mailto:Zahraabbasi221361@iau.ac.ir)

Research Article



### Abstract

Divine trials and tribulations refer to the hardships and tests that God ordains for humanity. From a religious perspective, these difficulties are not without purpose; rather, through them, God reveals humanity’s hidden potentials, guiding and propelling individuals toward growth. Thus, life’s hardships are not merely sources of suffering but opportunities for human development. This research addresses the question of whether these divine trials can simultaneously strengthen human psychological capabilities and solidify social bonds among people. More precisely, it investigates the relationship between divine hardships and two crucial concepts: first, resilience, examining how these difficulties empower individuals in their personal lives, making them stronger and more resolute; and second, social capital, exploring how they foster greater trust and cohesion within society. To answer this question, Qur’anic terms related to this subject, such as *fitnah* (trial), *balā’* (affliction), and *tamhīṣ* (purification), were analyzed through a study of Qur’anic verses and with the aid of authoritative exegeses, including *al-Mizān*, *Tasnīm*, *al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, and *al-Kashshāf*. Ultimately, this research yields three conclusions: first, hardships alter individuals’ perceptions of problems; second, individuals develop greater patience and fortitude amidst difficulties; and third, the shared experience of hardship enhances mutual trust and social cohesion. This three-stage model demonstrates the congruence between Islamic teachings and contemporary human sciences, proposing a culturally and religiously grounded solution as a foundation for individual growth and the betterment of social life.

**Keywords:** Divine trial; Tribulation; Individual development; Social development; Qur’anic exegesis

Received: 2025-10-29 | Received in revised form: 2026-01-29 | Accepted: 2026-04-19 | Published online: 2025-12-22

◆ **How to cite:** Mohammadi, Fatemeh, Abbasi, Zahra(1404SH): Examining the Concept of “Divine Trial” in the Qur’ān and Its Relation to Individual and Social Development, *Quran and social sciences*, 4(20), p104-129, 10.22034/arq.2025.242440

## بررسی مفهوم «امتحان» در قرآن و ارتباط آن با توسعه فردی و اجتماعی

فاطمه محمدی<sup>۱</sup>، زهرا عباسی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

f.mahammadi@vru.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران،

Zahraabbasi221361@iau.ac.ir

پژوهشی



### چکیده

ابتلا و امتحان الهی یعنی، سختی‌ها و آزمون‌هایی که خداوند برای انسان قرار می‌دهد. این سختی‌ها در نگاه دینی بی‌دلیل نبوده بلکه خداوند از این راه استعداد‌های پنهان انسان را کشف کرده و او را به سمت رشد سوق داده و هدایت می‌کند. پس سختی‌های زندگی فقط یک رنج نیستند بلکه یک فرصت برای رشد انسان محسوب می‌شوند. این پژوهش در پاسخ به این سؤال شکل گرفته که آیا این آزمون‌های الهی می‌توانند هم توانایی‌های روانی انسان را تقویت کنند و هم پیوندهای اجتماعی میان مردم را محکم‌تر کنند؟ به عبارت دقیق‌تر، رابطه میان سختی‌های الهی با دو مفهوم مهم در این پژوهش بررسی شده است: یکی (تاب‌آوری)؛ یعنی اینکه این سختی‌ها چطور باعث می‌شوند آدم در زندگی شخصی قوی‌تر و بااراده‌تر شود و دیگری (سرمایه اجتماعی) یعنی اینکه چطور باعث می‌شوند مردم در جامعه بیشتر به هم اعتماد کنند و کنار هم ایستادگی کرده و منسجم شوند. جهت پاسخ به این سؤال، واژگانی که قرآن در این موضوع به کار برده مثل (فتنه)، (بلاء) و (تمحیص) با روش مطالعه و تحلیل آیات قرآن و با کمک تفسیرهای معتبری مثل المیزان، تسنیم، التحریر و التنویر و کشاف بررسی شدند. درنهایت نیز، این پژوهش به سه نتیجه رسیده است: اول اینکه سختی‌ها دیدگاه انسان به مشکلات را عوض می‌کنند. دوم اینکه انسان در دل سختی‌ها صبورتر و محکم‌تر می‌شود. سوم اینکه تجربه مشترک سختی، اعتماد میان مردم را بیشتر و جامعه را منسجم‌تر می‌کند. این الگوی سه مرحله‌ای نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی و علوم انسانی امروز با هم همخوانی دارند و می‌توانند به‌عنوان یک راه‌حل برخاسته از فرهنگ و دین خودمان، پایه‌ای برای رشد فردی و بهبود زندگی اجتماعی باشند.

**کلیدواژه‌ها:** امتحان الهی، ابتلا، توسعه فردی، توسعه اجتماعی، تفسیر قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** استناد به این مقاله: محمدی، فاطمه؛ عباسی، زهرا (۱۴۰۴): ((بررسی مفهوم «امتحان» در قرآن و ارتباط آن با توسعه فردی و اجتماعی))، قرآن و علوم اجتماعی، ۴(۲۰)، ۱۲۹-۱۰۴، 10.22034/arq.2025.242440

## ۱. طرح مسئله

زندگی دنیوی انسان با ناملایمات، سختی‌ها و رنج‌ها عجین است؛ اگرچه به دید مادی، این ناملایمات می‌تواند به‌عنوان یک تضاد یا جریمه دنیای تلقی گردد؛ اما آشنایی با ادبیات قرآنی فهمی عمیق‌تر به انسان رهنمون می‌سازد و آن معرفی امتحان به‌عنوان یک سنت الهی است که در واقع نظام خلقت بر آن قرار گرفته است. خداوند متعال در سوره عنکبوت می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲)؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ این آیه و آیات مشابه، به‌خوبی این مطلب را برای انسان بیان می‌کند که راه خودسازی و شکوفایی انسان، در معرض امتحان قرار گرفتن است.

علامه طباطبایی با تکیه بر اینکه، خداوند به همه امور آگاهی دارد و امتحان الهی نمی‌تواند ابزاری در جهت آگاهی خداوند علیم شمرده شود، امتحان ابتلا را فرآیندی برای پرورش و رشد و تعالی موجودات می‌داند. از منظر ایشان، هدف از امتحانات الهی، پالایش جان انسان و جدا کردن درست از نادرست است که در ادبیات قرآنی از آن به تمایز میان «خیث» و «طیب» تعبیر آورده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۱۴۸-۱۵۰). در این نگاه، هر سختی یا خوشی، ظرفیتی است که فرد را به سمت واکنش سوق می‌دهد و همین واکنش‌هاست که شاکله وجودی او را می‌سازد.

سؤال اساسی این است که آیا امتحانات الهی، می‌تواند علاوه بر خودسازی فردی، راهی برای ارتقاء جامعه مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین باید راهی جست تا بین این آموزه کلامی و تفسیری را با مفاهیم کاربردی در علوم انسانی معاصر پیوند برقرار شود. امروزه در مطالعات مربوط به «توسعه فردی»، سازه «تاب‌آوری روان» به‌عنوان توانایی فرد برای مقابله با شرایط دشوار و بازیابی سلامت روان پس از بحران‌ها شناخته می‌شود. همچنین در سطح کلان، «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان زیربنای «توسعه اجتماعی»، بر اعتماد، همبستگی و مشارکت میان اعضای جامعه تأکید دارد. مسئله اساسی این پژوهش آن است که چگونه

می‌توان میان آموزه وحیانی «ابتلا» و این سازه‌های نوین، یک هم‌سویی معنادار ایجاد کرد؟ به بیانی دیگر، مفاهیم عمیقی چون «فتنه»، «بلاء» و «تمحیص» چگونه می‌توانند به‌عنوان زیربنای نظری برای تقویت ظرفیت‌های روانی فرد و اجتماعی در بدنه جامعه به کار گرفته شوند؟

پژوهش‌های زیادی در زمینه فلسفه ابتلائات، رنج و محنت انسان نوشته شده؛ اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها نتوانسته این مفاهیم را به توسعه و شکوفایی فردی و اجتماعی ارتباط داده و آن را به‌صورت یک الگوی نظام‌مند تعبیه کند. این پژوهش با بررسی واژگان قرآنی و معنای آن‌ها - نه استفاده از آمار و ارقام - که از آن به تحلیل محتوای کیفی تعبیر می‌شود؛ از تفاسیر معتبر استفاده کرده و امتحان را به‌عنوان یک برنامه الهی برای سیر فرد و جامعه به‌سوی تکامل معرفی می‌کند.

## ۲. پیشنهاد

زهرا امیری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «امتحان و آزمایش از دیدگاه قرآن» ضمن بررسی واژگان قرآنی امتحان و ابتلا، امتحان را یک سنت الهی دانسته و از منظر قرآن آن را زمینه‌ای برای رشد و شکوفایی انسان معرفی می‌کند. اکبری و آل‌بویه (۱۳۹۷) نیز در مقاله «تبیین سنت امتحان بر اساس مبانی هستی‌شناختی» در رویکردی فلسفی به تبیین امتحان بر اساس مبانی هستی‌شناختی مانند اصالت و تشکیک وجود و علیت و حرکت جوهری پرداخته‌اند. این پژوهش، امتحان را دارای دو جنبه «زمینه» و «قابل» می‌داند و آنچه را که موجب تکامل انسان است در واقع حقیقتی است که در قابل تحقق می‌یابد. درنهایت نیز امتحان را بر اساس حرکت جوهری اختیاری، سبب سیر صعودی یا نزولی انسان معرفی کرده‌اند. در حیطه کتب نیز، می‌توان به کتاب طباطبایی (۱۳۷۴)، جوادی آملی (۱۳۹۵) و مکارم شیرازی (۱۳۷۴) اشاره کرد که ضمن تحلیل مفهومی واژه امتحان و ابزارهای امتحان مانند اموال، فرزندان و بلایا و مصیبت‌ها، هدف از ابتلا را تصفیه انسان و جداسازی «خبیث» از «طیب» می‌دانند. پژوهشگران

دیگری نیز تلاش کرده تا میان این سنت قرآنی و توسعه فردی ارتباط برقرار کند. یکی از این پیوندها، بین مفهوم ابتلا و نظریه «تاب‌آوری» توسط راتر (Rutter, 2012, 335-344) برقرار شده است. او بر این عقیده است که بحران‌ها می‌توانند نقش مهمی در جریان توسعه ظرفیت فردی و افزایش مقاومت روانی ایفا کند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر به مفاهیم توصیفی و انتزاعی محدود است و نتوانسته‌اند امتحان و ابتلا را به‌عنوان یک مؤلفه در توسعه اجتماعی بیان کنند و از آن‌یک الگوی جامع و نظام‌مند تولید کنند؛ بنابراین، این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ است.

### ۳. روش تحقیق

در این پژوهش، تحلیل محتوایی استقرایی به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی، جهت تفسیر و بررسی دقیق داده‌ها و مضامین موجود در آیات قرآنت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین ابتدا لغاتی که در آیات کلیدی قرآن کریم مانند عنکبوت ۲، بقره ۱۵۵، صافات ۱۰۶ و ... و ابتلا استفاده شد، استقصا شده و مورد واکاوی قرار گرفتند. از سوی دیگر، دو نظریه «تاب‌آوری روانی» و «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان مبنای کار پژوهشی قرار گرفتند تا در جهت ارتباط بین آن مفاهیم قرآنی و این نظریه‌ها پیوند برقرار گردد. در بررسی معنای امتحان، ابتلا و موارد مشابه آن، از کتب تفسیر معتبری که وجهه رویکردی اجتماعی دارند همچون المیزان، تسنیم، نمونه از شیعه و تفسیر کبیر، فتح‌القدیر و التحریر از اهل سنت استفاده شده است و در حیطه علوم اجتماعی نیز از منابع نویسندگانی مانند راتر و پاتنام بهره گرفته شد.

داده‌های به‌دست‌آمده از تفاسیر با توجه به فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای منجر به نتیجه نهایی شد که این کدگذاری را به این شرح است: مرحله اول که مربوط به کدگذاری باز است، متن آیات و تفاسیر را خط به خط خوانده و سپس بین کلمات و مفاهیم اولیه جداسازی انجام شد، به‌عنوان مثال، آزمون با شر و خیر، صبر، توکل، غربالگری خالص‌سازی تفکیک شدند. مرحله دوم که کدگذاری

محوری نام دارد، همان گروه‌بندی به مفاهیم بزرگ‌تر مانند دوگانگی ابزارهای امتحان، صبر به‌عنوان واکنش، توکل و یقین، تمحیص و غربالگری جمعی است و در نهایت هم مرحله سوم، کدگذاری انتخابی انجام شد که در واقع بیان همسویی مفهومی امتحان الهی با الگوی توسعه اجتماعی است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به جهت تحلیل محتوای کیفی آیات و تفاسیر مرتبط با مفهوم «امتحان»، ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی پرداخته می‌شود.

#### الف) تحلیل واژه‌ها (ابتلا، فتنه، تمحیص)

قرآن کریم برای بیان سنت امتحان الهی از سه واژه اصلی استفاده کرده که هرکدام لایه‌ای از معنای عمیق این مفهوم را نشان می‌دهد. این واژگان نه تنها ریشه‌شناسی دارند بلکه در تفاسیر نیز به‌عنوان ابزارهایی برای رشد فردی و اجتماعی تفسیر شده‌اند.

جدول ۱. تحلیل محتوای کیفی و استخراج مقولات از واژگان کلیدی سنت امتحان الهی

ردیف	مضمون	مقوله	کد	ترجمه و شاهد مثال	متن آیه
۱	آشکارسازی ایمان پنهان	آزمون الهی	ابتلا	«ایا مردم گمان کردند به صرف اینکه بگویند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمون قرار نمی گیرند؟»	أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت: ۲)
۲	ابزار آزمایش برای رشد	محنت و سختی	بلاء	«قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و نقص در اموال و جانها می آزماییم.»	وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ (بقره: ۱۵۵)
۳	آشکارسازی مراتبها	آزمایش آشکار	بلاء	«و در این برای شما آزمایش (و نعمتی) بزرگ از جانب پروردگارتان بود.»	وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره: ۴۹)
۴	جداسازی سره از ناسره و عیارسنجی و غربالگری	عیارسنجی و غربالگری	فتنه	«و ما شما را به وسیله بدیها و نیکیها می آزماییم (فتنه می کنیم).»	وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً (انبیاء: ۱۳۵)
۵	تصفیه درونی و اجتماعی	پالایش (تمحیص)	تمحیص	«تا خداوند مؤمنان را خالص گرداند و کافران را تدریجاً نابود سازد.»	وَلِيَمْحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيُمَحِّقَ الْكَافِرِينَ (آل عمران: ۱۴۱)

این سه واژه در کنار هم تصویری کامل از سنت ابتلا ارائه می دهند. «ابتلا» بیشتر به معنای آزمون هدفمند است که ظرفیت های پنهان انسان را آشکار می کند. «فتنه» جنبه غربالگری و جداسازی دارد و «تمحیص» بر پالایش و تصفیه تأکید می کند. این معانی با مفهوم تاب آوری روانی (توانایی عبور از

سختی‌ها و رشد پس‌از آن) و سرمایه اجتماعی (تقویت پیوندهای درون‌گروهی در بحران) هم‌خوانی دارد، اما ریشه آن کاملاً قرآنی است و نه وارداتی. واژه «ابتلا» در لغت و استعمالات قرآنی: واژه «ابتلا» از ریشه «ب-ل-و» در باب افتعال است و مشتقات آن ۳۷ بار در قرآن تکرار شده است (موسوی نسب، ۱۳۸۵: ۱۵). ابتلا، در لغت، به معنای آزمون و کشف حقیقت است (قریشی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۹۱). ریشه «بلاء» در اصل به کهنگی و فرسودگی اشاره دارد و به مرور برای آزمون به کاررفته، زیرا آزمایش‌های مکرر با فرسودگی هم‌خوانی دارد (مصطفوی، ۱۴۰۴، ق، ۱: ۳۱۸). این واژه هم برای نعمت (خیر) و هم برای محنت به کار می‌رود و از منظر تفسیری زمینه تحول و رشد را نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۴۸).

«بلاء» در قرآن سه معنای اصلی دارد:

**آزمایش آشکار:** «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» (صافات: ۱۰۶): آزمون هدفمند برای آشکارسازی ظرفیت‌ها.

**نعمت (خیر):** «وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹): برخی مفسران شیعه و سنی «بلاء» را در این آیه به معنای نعمت تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ۱: ۲۲۲؛ قمی مشهدی، ۱۹۹۰، ۱: ۴۲۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ۱: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ۱: ۲۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۴۸). این تفسیر عمومیت ابزارهای ابتلا (نعمت و نعمت) را تأیید می‌کند.

**محنت و گرفتاری:** «وَنَبِّئُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (انبیاء: ۳۵) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۴۹). این معنای نشان می‌دهد که ابتلا فرآیندی هدفمند است که هم فرد را به رشد می‌رساند و هم جامعه را پالایش می‌کند.

**واژه «فتنه» در لغت:** واژه «فتنه» در اصل به معنای قرار دادن طلا در کوره برای خالص‌سازی است و به آزمایشی گفته می‌شود که هدفش سنجش اخلاص و تصفیه باطن است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۲۱: ۱۶۷). شهید مطهری نیز «فتنه» را ابزاری برای سنجش عیار ایمان و اخلاص می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷، ۷: ۱۸۲). این واژه با تمرکز بر جنبه تصفیه‌کنندگی و جداسازی،

از منظر مفهومی با «غربالگری» در چارچوب نظری سرمایه اجتماعی همخوانی دارد؛ به‌ویژه اعتماد و پیوندهای درون‌گروهی که در شرایط بحران تقویت یا آزموده می‌شوند (Putnam, ۲۰۰۰: ۲۲-۲۳).

**پیوند واژگان کلیدی با ادبیات علوم اجتماعی:** هرچند این واژگان همگی دلالت بر آزمایش الهی دارند، در این پژوهش برای هرکدام کارکرد متمایزی در مدل مفهومی پیشنهادی در نظر گرفته شده است:

ابتلا و بُعد فردی (مراحل شناختی و رفتاری): معنای ریشه‌ای «ابتلا» (آزمودن برای آشکارسازی ظرفیت‌های پنهان) با مراحل شناختی (آگاهی از چالش) و رفتاری (صبر و عمل صالح) سازگار است و زمینه نظری مناسبی برای مفهوم تاب‌آوری فراهم می‌کند (Rutter, ۲۰۱۲: ۳۳۵-۳۴۴).

**فتنه و بُعد جمعی (مرحله تربیتی-تکاملی):** ریشه تصفیه‌کنندگی «فتنه» با مرحله پالایش و غربالگری همخوانی دارد و با مفهوم سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد درون‌گروهی در بحران‌ها) پیوند می‌خورد (Putnam, ۲۰۰۰: ۲۲).

**ابعاد عام سنت آزمایش الهی:** از منظر تفسیری قرآن، سنت ابتلا ویژگی‌های عامی دارد که در سه بُعد کلیدی قابل توضیح است (موسوی نسب، ۱۳۸۵: ۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱؛ ۵۲۷) که به‌طور اختصار می‌توان به فراگیر بودن آن از جهت زمان و مکان، از جهت موارد انسانی و عمومیت اسباب و عوامل اشاره کرد، این سه بُعد با توجه به آیات قرآن این چنین قابل توضیح است:

**گسترده‌گی زمانی-مکانی:** ابتلا محدود به زمان یا مکان خاصی نیست و تا پایان حیات دنیوی ادامه دارد: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲).

**فراگیری انسانی:** هیچ فردی از این سنت مستثنا نیست: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ» (ملک: ۲). این فراگیری با مفهوم تاب‌آوری همخوانی دارد؛ زیرا چالش‌ها با رشد همه افراد پیوند دارد (Rutter, ۲۰۱۲: ۳۳۵-۳۴۴).

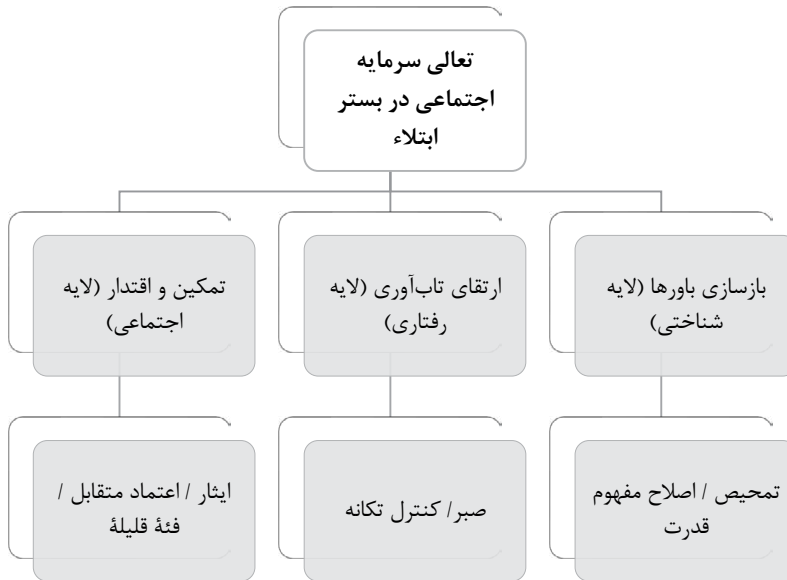
عمومیت اسباب و عوامل: ابزارهای ابتلا گسترده‌اند و شامل نعمت‌ها (آل عمران: ۱۴۲) و نعمت‌ها (بقره: ۱۵۵) مانند ترس، گرسنگی، نقص اموال، فرزندان و ثروت

می‌شوند (انعام: ۱۶۵؛ کهف: ۷). این عمومیت چارچوبی برای بحث درباره سرمایه اجتماعی در بحران‌های جمعی فراهم می‌آورد (Putnam, ۲۰۰۰: ۲۲-۲۳).

### ب) ساختار درختی کدهای استخراج شده

فرآیند تحلیل محتوای آیات منجر به استخراج سلسله‌مراتبی از مفاهیم شده است که در نمودار زیر مشاهده می‌شود:

نمودار شماره ۱: ساختار درختی کدهای استخراجی



این نمودار از کدهای هسته (سرمایه اجتماعی در فرآیند ابتلا) شروع می‌شود و به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود: بازسازی باورها (لایه شناختی)، ارتقای تاب‌آوری (لایه رفتاری) و پالایش اجتماعی (لایه اجتماعی). زیرشاخه‌ها کدهای باز هستند که از آیات و تفاسیر استخراج شده‌اند. این ساختار سه‌لایه‌ای چارچوب کلی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

### ج) فرآیند کدگذاری عملیاتی آیات و تفاسیر

برای شفاف‌سازی تبدیل آیات و تفاسیر به کدهای نظری، فرآیند کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) با رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار انجام شد. جدول زیر مراحل را با مثال‌های واقعی از آیات و تفاسیر معتبر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: نمونه فرآیند کدگذاری سه‌مرحله‌ای آیات و تفاسیر (باز، محوری، انتخابی)

واحد تحلیل (آیه و منبع تفسیری)	کدگذاری باز	مقوله محوری	مقوله مرکزی / مدل نهایی
انبیاء: ۳۵ (طباطبایی)، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۸۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷: (۴۷)	ابتلا با شر و خیر، فتنه (تصفیه)	دوگانگی ابزارهای امتحان و تبیین معنای رنج	مرحله ۱: چارچوب شناختی ابتلا
ملک: ۲ (شوکانی)، ۵: (۳۹۷)	درک ابتلا به‌عنوان زمینه آشکارسازی ظرفیت‌ها	آگاهی از حکمت چالش به‌عنوان فرصت رشد	مرحله ۱: چارچوب شناختی ابتلا
بقره: ۱۵۵ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۵۲۴)	توصیه به صبر، بشارت صابرین، استقامت آگاهانه	صبر به‌عنوان واکنش پیشنهادی	مرحله ۲: فرآیند رفتاری فردی
یوسف: ۲۳-۲۴ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹: ۳۶۷)	مقاومت در برابر وسوسه، پرهیز از غفلت	خودتنظیمی در برابر چالش‌ها	مرحله ۲: فرآیند رفتاری فردی
آل عمران: ۱۴۰ (فضل الله، ۱۴۳۹، ۳: ۳۹۴)	اعتماد به خدا، عدم یأس، تقویت ایمان	توکل و یقین به‌عنوان عوامل پایداری	مرحله ۳: پیامد جمعی و اجتماعی
عنکبوت: ۲-۳ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۹۹)	تمییز مؤمن از منافق، خالص‌سازی جامعه	تمحیص و غربالگری جمعی	مرحله ۳: پیامد جمعی و اجتماعی

این جدول نشان می‌دهد که کدگذاری از سطح خرد (آیه و تفسیر) به مقوله‌های محوری و سپس به مدل سه‌مرحله‌ای پژوهش می‌رسد. این فرآیند

عملی، چارچوب نظری پژوهش را تقویت می‌کند و پیوند ابتلا با تاب‌آوری روانی و سرمایه اجتماعی را شفاف می‌سازد.

### د) ابزارها و حکمت‌های سنت ابتلا در قرآن

از منظر تفسیری قرآن، سنت ابتلا را می‌توان با یک مدل مفهومی سه‌مرحله‌ای (شناختی، رفتاری، تربیتی-جمعی) تفسیر کرد که با رویکرد مدل‌های مفهومی در تحلیل کیفی همخوانی دارد. (Miles & Huberman, ۱۹۹۴). این فرآیند در چهار محور اصلی قابل تبیین است:

**تنوع و شمولیت ابزارهای آزمون الهی (دوگانه خیر و شر):** از منظر قرآن کریم، ابزارهای امتحان الهی منحصر در بلا یا و شداید نیست، بلکه هر پدیده‌ای که اختیار انسان را به چالش بکشد، ابزار آزمون تلقی می‌شود (انبیاء: ۳۵). این ابزارها در دو لایه کلان دسته‌بندی می‌شوند:

ابتلا به نعمت (آزمون خیر): این دسته شامل ثروت، قدرت، سلامت و پیوندهای خانوادگی است (تغابن: ۱۵). در این لایه، چالش اصلی «غلبه بر غفلت» و «پرهیز از بخل و خودکامگی» است. برای نمونه، آزمون حضرت سلیمان (ع) با قدرت و ثروت (نمل: ۴۰)، بر ضرورت «شکرگزاری عملی» و «عدالت» به‌عنوان پاسخ بهینه در این نوع ابتلا تأکید دارد.

ابتلا به نعمت (آزمون شر): آزمون‌های سخت نظیر ترس (خوف)، تنگنای اقتصادی (جوع) و نقص در اموال و نفوس (بقره: ۱۵۵)، در حکم «شوک‌های بیرونی» عمل می‌کنند. این ابزارها با هدف بیداری معنوی و فعال‌سازی ظرفیت‌های خفته، چارچوبی نظری برای «تاب‌آوری روانی» فراهم می‌آورند که نمونه‌های آن در صبر ایوب (ع) و یعقوب (ع) متجلی است.

**حکمت‌های وجودی با تمرکز بر منابع شیعه (تحول درونی و تمحیص):** تفاسیر شیعه (نظیر المیزان و تسنیم) با نگاهی وجودشناختی، بر لایه‌های باطنی و فردی امتحان تأکید ورزیده‌اند. مهم‌ترین حکمت‌های مستخرج از این منابع عبارت‌اند از:

تمحیص و پالایش انگیزه: آزمون الهی مکانیسمی برای «جدا کردن صدق از کذب» در ادعای ایمان است (آل عمران: ۱۴۱). این فرآیند «خالص سازی»، زیرساخت اعتماد اجتماعی را در بدنه مؤمنان تقویت می کند.

تحقق عدل الهی: امتحان زمینه‌ای است تا استعدادهاى نهفته انسان از قوه به فعلیت برسد و پاداش یا کیفر، نه بر اساس علم پیشینی الهی، بلکه بر پایه «عمل واقعی» و «استحقاق عملی» انسان رقم بخورد.

**حکمت‌های تربیتی با تمرکز بر منابع اهل سنت (تمکین و تصفیه صفوف):** تفاسیر اهل سنت (نظیر فی ظلال و المنار) بیشتر بر ابعاد کارکردی، تربیتی و آمادگی اجتماعی برای پذیرش مسئولیت‌های کلان تأکید دارند: آمادگی برای امانت الهی (تمکین): از این منظر، تحمل رنج و سختی، لازمه تربیت امت و آمادگی برای «خلافت الهی» بر زمین است. تا زمانی که امت در کوره حوادث گداخته نشود، شایستگی لازم برای تمکین و رهبری جامعه را کسب نمی کند.

**شناخت ارزش دعوت:** رنج‌های ناشی از ابتلا باعث می شود مؤمنان قدر ارزش‌های دینی را دانسته و در صیانت از آرمان‌های جامعه اسلامی، ایستادگی بیشتری از خود نشان دهند.

**مؤلفه‌های پیروزی و ارتقای پاسخ انسانی (تحلیل رفتاری):** پیروزی در سنت ابتلا از منظر قرآنی، محصول پیوند میان مؤلفه‌های روانی و رفتاری است که منجر به توسعه پایدار شخصیت می گردد، برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

**صبر و پایداری فعال:** صبر در قرآن به معنای تحمل منفعلانه نیست، بلکه ایستادگی آگاهانه و حفظ تمرکز بر هدف در میانه طوفان حوادث است (بقره: ۱۵۵).

**تقوا و خودتنظیمی:** تقوا به عنوان یک سازه نظارتی، مانع از فروپاشی شخصیتی در آزمون‌های سخت و مانع از غرور در آزمون‌های نعمت می گردد.

**رضا و تسلیم مطلق:** عالی‌ترین سطح پاسخ به ابتلا، تسلیم در برابر اراده

الهی است که در آزمون ذبح فرزند توسط ابراهیم (ع) به تصویر کشیده شده است. این مقام، نشان‌دهنده انحلال اراده فردی در اراده کلی حق و رسیدن به ثبات شخصیت است.

این مؤلفه‌های رفتاری (صبر و تقوا)، در واقع همان موتور محرک رسیدن به تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی هستند که در بخش بعدی (۵-۳) در قالب تحلیل نهایی ارائه می‌شوند.

جدول شماره ۲: تفکیک ابزارهای ابتلا (خیر و شر) و ابعاد آزمون

همخوانی مفهومی با کنترل تکانه و خودتنظیمی	نوع ابزار ابتلا	زیرمجموعه‌ها (مثال قرآنی)	هدف اصلی آزمون (از منظر تفسیری)	سطح تمرکز
زمینه کنترل تکانه و خودتنظیمی	نعم (خیر)	ثروت، قدرت (سلیمان)، علم (قارون)، زیبایی (یوسف)	زمینه تفسیر شکرگزار، عدالت و فروتنی	اخلاقی و رفتاری (فردی)
همخوانی با مفهوم شوک بیرونی و تاب‌آوری	نقمت (شر)	ترس، جوع، نقص مال و جان (بقره: ۱۵۵)، بیماری (ایوب)	زمینه تفسیر صبر، فعال، توحید عملی و ایثار	روانی و اجتماعی (فردی و جمعی)

جدول ۲: ساختار مفهومی پیشنهادی پژوهش را نشان می‌دهد. در این مدل، سنت ابتلا به عنوان مفهوم محوری تفسیر می‌شود که از منظر مفهومی با مدل سه مرحله‌ای همخوانی دارد و زمینه‌ای نظری برای درک تاب‌آوری روانی و سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

### ۵) تحلیل تطبیقی تفاسیر و پیوند با توسعه فردی و جمعی

تحلیل آراء مفسران فریقین نشان‌دهنده یک مرزبندی ظریف و درعین حال مکمل در مواجهه با مقوله ابتلا است که نادیده گرفتن آن‌ها می‌تواند منجر به

تک بعدی شدن مدل پژوهش گردد. بر اساس تحلیل انتقادی منابع، رویکرد حکمی-شيعی (با تکیه بر المیزان) ابتلا را فراتر از یک آزمایش ساده، به مثابه یک «سنت تکاملی» برای فعلیت بخشیدن به استعدادهای درونی انسان تبیین می‌کند. در این نگاه، تمرکز اصلی بر «رشد وجودی» فرد است که زیرساخت اصلی سازه «تاب‌آوری فردی» را در مدل پژوهش تشکیل می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۳۱۶). در مقابل، مفسران نواندیش اهل سنت (با تکیه بر تفاسیری چون المنار و فی ظلال)، ابتلا را ابزاری برای «تمکین» و «اقتدار جمعی» در زمین می‌دانند. در این دیدگاه، هدف غایی آزمون‌های الهی، غربال‌گری نیروهای کارآمد برای دستیابی به «سرمایه اجتماعی» و پیروزی بر چالش‌های محیطی است (سید قطب، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۱۴۵؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۴: ۱۷۸).

بر همین اساس، تحلیل تطبیقی کارکردهای امتحان نشان می‌دهد که این سنت الهی زمینه‌ای نظری برای تفسیر توسعه انسانی در دو سطح فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. در سطح فردی، فرآیند «تمحیص» یا پالایش درونی به بلوغ ایمانی و تاب‌آوری روانی منجر می‌شود. در سطح جمعی و عمومی نیز، «تصفیه اجتماعی» از طریق جداسازی صفوف صادقان از کاذبان، منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و اعتماد عمیق میان اعضای جامعه ایمانی می‌گردد. جزئیات این همخوانی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: تحلیل تطبیقی کارکردهای امتحان و همخوانی مفهومی با توسعه

کارکرد محوری امتحان	دیدگاه شیعه (المیزان، تسنیم)	دیدگاه اهل سنت (سید قطب، ابن قیم)	پیوند به توسعه (خروجی مدل)
تمحیص (پالایش درونی)	رشد و کمال فردی؛ آشکارسازی قابلیت‌ها؛ پالایش انگیزه‌ها (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۳۱۶-۳۲۰، ج ۴: ۵۲-۵۵؛ جوادی آملی، ۲۰۱۵ م، ۷: ۶۸۰-۶۸۵)	تصفیه و آمادگی برای تمکین از طریق تحمل رنج (ابن قیم الجوزیه، ۱۹۷۳ م؛ ابن عاشور، ۲۰۸؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۴: ۱۷۸)	تاب‌آوری روانی، بلوغ ایمانی، توسعه فردی

تصفیه اجتماعی	زمینه پالایش اجتماعی و تقویت اعتماد کیفی	تربیت امت؛ آمادگی برای تمکین؛ جداسازی صفوف؛ آزمون مسئولیت اجتماعی	سرمایه اجتماعی درون گروهی، اعتماد عمیق، توسعه اجتماعی
---------------	--	---	---

### و) ارائه و تبیین مدل مفهومی سه مرحله‌ای

مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش، فرآیند ابتلا را در سه مرحله عملیاتی تفسیر می‌کند که از «ورودی» آغاز و به «خروجی توسعه‌ای» ختم می‌شود. در مرحله اول، ورودی مفهومی شامل ابزارهای متنوع امتحان (نعمت و نعمت) است که طبق جدول ۴ تبیین گردید. مرحله دوم، فرآیند مفهومی یا واکنش انسانی است که بر مؤلفه‌هایی چون صبر، تقوا و تسلیم استوار است و زمینه پالایش روان را فراهم می‌کند. در نهایت، مرحله سوم شامل خروجی‌های مفهومی است که در آن، سنت ابتلا به مثابه چارچوبی برای تفسیر توسعه انسانی، منجر به ارتقای تاب‌آوری فردی و استحکام سرمایه اجتماعی جمعی می‌گردد (Huberman & Miles, ۱۹۹۴).

از منظر تحلیل مفهومی، ابتلائات پیامبران و اولیای الهی نمونه‌های عینی از تحقق سازه «تاب‌آوری معنوی» در سخت‌ترین شرایط هستند. برای مثال، آزمون حضرت یوسف (ع) در مواجهه با وسوسه زلیخا و سپس قدرت سیاسی، نمونه‌ای از «خودتظیمی» و اراده درونی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۳۰۹). همچنین، پایداری حضرت نوح (ع) در برابر استهزای طولانی مدت قوم (هود: ۳۸) و امیدواری حضرت زکریا (ع) در شرایط ناامیدی (آل عمران: ۴۰)، چارچوبی نظری برای «پایداری بر مأموریت» و «عدم یأس» فراهم می‌آورد که از ارکان اصلی تاب‌آوری فعال محسوب می‌شوند.

در سطح جامعه نیز، ابتلائات اجتماعی با فرآیند غربالگری و پالایش شبکه‌های انسانی همخوانی دارند. آزمون سپاه طالوت با نهر آب (بقره: ۲۴۹) مثالی برجسته از کنترل تکانه در سطح گروهی است که منجر به شکل‌گیری یک «هسته سخت اجتماعی» با اعتماد درون‌گروهی بالا گردید (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲-).

۲۳). همچنین، داستان اصحاب سبت (اعراف: ۱۶۳) نشان‌دهنده اهمیت تعهد به هنجارهای مشترک و نظارت اجتماعی در حفظ قوام جامعه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸: ۲۹۱)؛ بنابراین موفقیت در ابتلا از منظر قرآنی، مستقیماً با حفظ هنجارها و تقویت پیوندهای اجتماعی در زمان بحران گره‌خورده است.

### ز) ارائه و تبیین مدل مفهومی سه مرحله‌ای سنت ابتلا

بر اساس تحلیل تفسیری آیات و تحلیل آراء مفسران، این پژوهش یک مدل مفهومی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌کند که فرآیند ابتلا را به‌مثابه یک ساختار غایتمند برای پیوند میان آموزه‌های وحیانی و سازه‌های توسعه (تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی) تبیین می‌نماید. این مدل نظری، چارچوبی مفهومی برای درک چگونگی تبدیل چالش‌های محیطی به فرصت‌های ارتقای کیفی فراهم می‌آورد (Rutter, ۲۰۱۲, ۳۳۵-۳۴۴; Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲-۲۳). مراحل این مدل به شرح زیر تبیین می‌گردد:

**مرحله شناختی:** این مرحله تکیه بر مواجهه فرد یا جامعه با چالش و آگاهی از موقعیت ابتلا دارد. در این مرحله، ادعای ایمان از منظر شناختی مورد بازخوانی قرار می‌گیرد (عنکبوت: ۲-۳) و ابتلا به‌عنوان زمینه‌ای برای رشد و ارتقای عملکرد (احسن عملاً) تفسیر می‌شود. این مرحله با مفهوم «رشد پس از آسیب» (Post-Traumatic Growth) در روان‌شناسی دینی همخوانی دارد که بر تحول معنوی پس از بحران تأکید می‌ورزد (Pargament, ۱۹۹۷, ۱۲۴).

**مرحله رفتاری:** در این مرحله، پاسخ عملی و استقامت در برابر آزمون بروز می‌کند. آنچه در قرآن مورد تأکید قرار گرفته، توصیه به صبر، تقوا، عمل صالح و خودتنظیمی است (بقره: ۱۵۵). از منظر نظری، این مرحله مستقیماً با سازه «تاب‌آوری روانی» پیوند می‌خورد؛ یعنی توانایی فرد در انطباق فعال با شرایط سخت و بازیابی عملکرد پس از بحران بر اساس باورهای دینی.

**مرحله تربیتی-تکاملی:** این مرحله غایت اجتماعی سنت ابتلا را نشان می‌دهد. در این سطح، مکانیسم غربالگری و «تمحیص» منجر به پالایش

انگیزه‌ها و جداسازی صادقان از کاذبان می‌گردد (آل‌عمران: ۱۴۱). این فرآیند از منظر علوم اجتماعی با تقویت «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی» همخوانی دارد؛ چراکه اعتماد درون‌گروهی از حالتی ادعایی به وضعیتی اثبات‌شده و کیفی تغییر یافته و انسجام جامعه ایمانی را در برابر شوک‌های بیرونی تضمین می‌کند (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲-۲۳).

جدول شماره ۴: مدل مفهومی و پیوند متغیرهای پژوهش

مفهوم کلیدی	تعریف مفهومی (منظر قرآنی)	پیوند با مراحل مدل	خروجی توسعه‌ای
سنت ابتلا	سنت الهی چالش با خیر و شر برای آشکارسازی ظرفیت‌ها (انبیاء: ۳۵)	کل فرآیند سه‌گانه	چارچوب ساختاری توسعه
تاب‌آوری روانی	ظرفیت انطباق فعال در برابر چالش‌ها از طریق صبر و یقین (بقره: ۱۵۵)	مرحله ۱ و ۲ (شناختی و رفتاری)	توسعه فردی
سرمایه اجتماعی	فرآیند غربالگری برای تقویت اعتماد درون‌گروهی (عنکبوت: ۳)	مرحله ۳ (تربیتی-جمعی)	توسعه اجتماعی

این مدل نظری، چارچوبی نوین برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌آورد تا بتوانند همخوانی بحران‌های محیطی با تاب‌آوری معنوی و انسجام اجتماعی را در جوامع دینی مورد آزمون تجربی قرار دهند (شاکریان و همکاران، ۲۰۲۰).

### ح) تحلیل عملیاتی در نمونه‌های کلیدی و ارتباط آن با تاب‌آوری

از منظر تحلیل مفهومی، ابتلائات پیامبران و گروه‌های اجتماعی در قرآن، نمونه‌هایی عینی از تحقق سازه تاب‌آوری معنوی و سرمایه اجتماعی در سخت‌ترین شرایط تاریخی هستند. در سطح فردی، آزمون حضرت یوسف (ع) در مواجهه با وسوسه و سپس چالش قدرت سیاسی، نمونه‌ای برجسته از اراده و خودتنظیمی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۳۰۹). همچنین پایداری حضرت نوح (ع) در برابر استهزای طولانی‌مدت قوم (هود: ۳۸) و امیدواری حضرت

زکریا (ع) در شرایط ناامیدی (آل عمران: ۴۰)، چارچوبی نظری برای پایداری بر مأموریت و عدم یأس فراهم می‌آورد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که تاب‌آوری قرآنی، حالتی فعال و مبتنی بر آگاهی از حکمت چالش است که منجر به رشد پس از بحران می‌گردد.

در ابعاد عمیق‌تر تاب‌آوری، داستان حضرت ایوب (ع) به‌عنوان نماد صبر در بیماری و فقدان، بالاترین سطح تاب‌آوری شناختی و پذیرش فعال سرنوشت را پیشنهاد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱: ۵۳۰). همچنین ابتلای اصحاب کهف (کهف: ۱۰) نمونه‌ای از تاب‌آوری معنوی در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی است که زمینه تفسیر پایداری بر ایمان در شرایط خفقان را فراهم می‌آورد. این الگوهای رفتاری مؤید آن است که در منطق قرآن، موفقیت در ابتلا نه تنها مانع فروپاشی روانی نمی‌شود، بلکه فرد را به مرتبه عزم‌الأمور و استحکام شخصیت می‌رساند (Rutter, ۲۰۱۲).

در سطح جمعی، ابتلائات اجتماعی با فرآیند غربالگری و پالایش شبکه‌های انسانی همخوانی دارند که منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی می‌گردد. آزمون سپاه طالوت با نهر آب (بقره: ۲۴۹) مثالی کلاسیک از کنترل تکانه در سطح گروهی است؛ جایی که محدودیت در بهره‌مندی از آب، منجر به شناسایی نیروهای بااراده و تشکیل یک هسته سخت اجتماعی با اعتماد درون‌گروهی بالا گردید (Putnam, ۲۰۰۰, ۲۲-۲۳) این فرآیند نشان می‌دهد که چگونه یک بحران، ابزاری برای تصفیه صفوف و تولید قدرت جمعی پایدار می‌شود.

علاوه بر این، داستان اصحاب سبت (اعراف: ۱۶۳) نشان‌دهنده اهمیت تعهد به هنجارهای مشترک و نظارت اجتماعی در قوام جامعه است. از منظر تفسیری، شکست یا پیروزی در این ابتلا، با میزان پایبندی به ارزش‌های جمعی و نظارت متقابل گره‌خورده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸: ۲۹۱)؛ بنابراین موفقیت جمعی در سنت ابتلا، مستقیماً با بازتولید سرمایه اجتماعی و حفظ انسجام در برابر وسوسه‌های فردی پیوند می‌خورد. این تحلیل‌های عملیاتی ثابت می‌کند که مدل سه‌مرحله‌ای پژوهش، ریشه در واقعیت‌های وحیانی و تاریخی دارد.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در دو حوزه مدیریت فردی و اجتماعی بیان کرد، در حوزه مدیریت فردی، تاب‌آوری در مواجهه با بحران‌ها، مستقیماً از طریق بازتعریف شناختی رنج به‌مثابه «سنت تمحیص» ارتقا می‌یابد. بر این اساس، پیاده‌سازی مدل سه‌مرحله‌ای پژوهش منجر به تبدیل فشارهای روانی به فرصت‌های رشد وجودی انسان می‌شود؛ به این صورت که با استفاده از فن‌های خودتنظیمی و کنترل تکانه (استخراج‌شده از الگوی رفتاری یوسف (ع) و طالوت)، می‌توان تاب‌آوری فردی را از یک واکنش انفعالی به یک فرآیند فعال و کمال‌آفرین تبدیل کرد. در نتیجه، این مدل در مراکز مشاوره و نظام‌های تربیتی، به‌عنوان یک بسته عملیاتی برای بازسازی شخصیت و تقویت اراده در برابر شوک‌های محیطی کاربردی کاربست قطعی دارد.

این پژوهش، در سطح جمعی نیز، این پژوهش فرآیند غربالگری اجتماعی را به‌عنوان مکانیزمی کاربردی برای تولید سرمایه اجتماعی کیفی معرفی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بحران‌های جمعی، بستری عملیاتی برای جداسازی نیروهای کارآمد از عناصر ضعیف فراهم می‌آورند که منجر به تقویت شبکه‌های اعتماد و انسجام در هسته سخت جامعه می‌شود. به‌کارگیری الگوی نظارت متقابل و پایبندی به هنجارهای مشترک (برگرفته از تحلیل اصحاب سبت)، راهکاری اجرایی برای سیاست‌گذاران جهت مصون‌سازی ساختارهای اجتماعی و دستیابی به پایداری جمعی در برابر تهدیدات بیرونی است. این رویکرد، مدیریت بحران را از یک اقدام واکنشی به یک راهبرد زیربنایی برای توسعه کیفی سرمایه‌های انسانی تغییر می‌دهد.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر. (۱۹۷۳). مدارج السالکین (چاپ ۲). بیروت: دار الکتب العلمیه.  
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.  
ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد شاذلی. (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر من التفسیر. بیروت: مؤسسه  
التاریخ العربی.

بحرانی، سید هاشم. (۱۳۷۳). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۱). قم: بنیاد بعثت.  
تفلیسی، ابوالفضل. (۱۳۷۱). وجوه قرآن. (جلال متینی، مصحح؛ چاپ ۲). تهران: انتشارات دانشگاه  
تهران.

جوادی آملی، عبدالله. (۲۰۱۵). تفسیر تسنیم. مترجم محمود العیدانی. قم: مرکز اسراء للنشر.  
خدایاری فرد، محسن؛ نادری، فاطمه؛ نوروزی، علی. (۱۳۸۸). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سرمایه  
اجتماعی در دانشجویان». فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تهران. ۳۶(۲). صص ۷۵-۱۰۶.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵). سیرت عملی اهل بیت (ع). تهران: خانه ادبیات.  
دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵). سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات دریا.  
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق عوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.  
شاربی، سید قطب. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. ج ۱ و ۲. چاپ هفدهم. بیروت: دارالشروق.  
شوکانی، محمد. (۱۴۱۴ق). فتح القدر، سوریه: دارابن الکثیر.  
طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات  
اسلامی.

طبری، أبو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۲۰ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. قم: مؤسسه  
الرسالة.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
فضل الله، محمد حسین. (۱۴۳۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر و  
التوزیع.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ج ۱-۷. چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۹۹۰م). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت الثقافة  
و الإرشاد الإسلامی. مؤسسه الطبع و النشر.

مصطفوی، حسن. (۱۴۰۴ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم:  
مکتب الاعلام الاسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ج ۷. چاپ دوم. تهران: انتشارات صدرا.  
مکارم شیرازی، ناصر، همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی نسب، سید جعفر. (۱۳۸۵). بتلاء و آزمایش انسان در قرآن. تهران: انتشارات ارزشمند.  
میرزایی، سجاد، ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۸). «تحلیل محتوایی مقالات پیرامون امتحان الهی با رویکرد  
سیستمی». فصلنامه پژوهش‌های قرآنی. ۲۵(۱). صص ۴۲-۶۷.

کوربین، ژولیت؛ اشتراوس، آنسلم. (۱۳۸۵). مبانی پژوهش کیفی: تکنیک‌ها و رویه‌ها برای بسط نظریه

داده‌بنیاد. ترجمه بیوک محمدی. تهران: نشر آوای نور.

- Social capital in the creation of human capital. American .(۱۹۸۸) .Coleman, J. S  
Journal of Sociology ,۹۴ ,S۹۵-S۱۲۰.
- The psychology of religion and coping: Theory, research, .(۱۹۹۷) .Pargament, K. I  
.practice. New York: Guilford Press
- Bowling alone: The collapse and revival of American .(۲۰۰۰) .Putnam, R. D  
.community. New York: Simon & Schuster
- Resilience as a dynamic concept. Development and .(۲۰۱۲) .Rutter, M  
S۰۹۵۴۵۷۹۴۱۲۰۰۰۲۸/۱۰/۱۰۱۷/https://doi.org.۳۴۴-۳۳۵,(۲)۲۴,Psychopathology
- The assessment of spirituality and .(۲۰۲۰) .Shakerian,A.Ghaderi, D.Abedini,M  
religious commitment: Development and validation of an indigenous Persian  
instrument .۱۱۵-۱۰۰ ,Journal of Religion and Health .(۱) ۵۹
- .۹-۰۰۹۳۴-۰۱۹-s۱۰۹۴۳/۱۰/۱۰۰۷/https://doi.org
- Basics of Qualitative Research: Techniques and .(۱۹۹۸) .Strauss, A, & Corbin, J  
۲nd ed). Thousand Oaks, CA:) Procedures for Developing Grounded Theory  
.Sage Publications

## References

The Holy Qur'ān

- Baḥrānī, Sayyid Hāshim. (1373 SH/1994). *al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Bunyād-e Ba'that.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95–S120.
- Corbin, Juliet; Strauss, Anselm. (1385 SH/2006). *Mabānī-e Pajūhish-e Keyfī: Teknikhā va Rūveh-hā barā-ye Bast-e Nazariyeh-ye Dādeh-Bunyād*. Translator: Boyouk Muḥammadī. Tehran: Āvā-ye Nūr Publications.
- Delshād Tehrānī, Muṣṭafā. (1385 SH/2006). *Sīrat-e 'Amalī-ye Ahl al-Bayt ('a)*. Tehran: Khāneh-ye Adabiyāt.
- Delshād Tehrānī, Muṣṭafā. (1385 SH/2006). *Sīrī dar Tarbiyat-e Islāmī*. Tehran: Daryā Publications.
- Faḍlullāh, Muḥammad Ḥusayn. (1439 AH/2018). *Tafsīr min Waḥy al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Malak li-l-Ṭibā'ah wa al-Nashr wa al-Tawzī'.
- Ibn 'Ashūr, Muḥammad Ṭahir ibn Muḥammad Shādhilī. (1420 AH/1999). *al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. Beirut: Mu'assasat al-Tārīkh al-'Arabī.
- Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar. (1419 AH/1998). *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Ibn Qayyim al-Jawziyyah, Muḥammad ibn Abī Bakr. (1973). *Madārij al-Sālikīn* (2nd edition). Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Javadi Amoli, Abdullah. (2015). *Tafsīr-e Tasnīm*. Translator: Maḥmūd al-'Īdānī. Qom: Markaz-e Isrā' li-l-Nashr.
- Khodāyārī-Fard, Mohsen; Nāderī, Fatimeh; Nowrūzī, Ali. (1388 SH/2009). "Sākht va I'tibāriyābi-ye Porsish-nāmeḥ-ye Sarmāyeh-ye Ijtīmā'ī dar Dānishjūyān." *Ravānshināsī-ye Dānishgāh-e Tehran Quarterly Journal*, 36(2), pp. 75–106.
- Makārim Shīrāzī, Naṣir, et al. (1374 SH/1995). *Tafsīr-e Nemūneh*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Mīrzā'ī, Sajjād; Ibrāhīmī, Morteza. (1398 SH/2019). "Taḥlīl-e Muḥṭavā'ī-ye Maqālāt Pīrāmūn-e Imtiḥān-e Ilāhī bā Rūvikard-e Sīstemī." *Pajūhish-hā-e Qur'ānī Quarterly Journal*, 25(1), pp. 42–67.
- Mūsavī Nasab, Sayyid Ja'far. (1385 SH/2006). *Ibtīlā' va Āzmāyish-e Insān dar Qur'ān*. Tehran: Arzeshmand Publications.
- Muṣṭafavī, Ḥasan. (1404 AH/1984). *al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm*. Annotator: 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qom: Maktab al-'Ilām al-Islāmī.
- Mutahhari, Morteza. (1377 SH/1998). *Majmū'eh Āthār-e Ustād Shahīd Mutahhari*, 2nd edition. Tehran: Ṣadrā Publications.
- Pargament, K. I. (1997). *The Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice*. New York: Guilford Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Qommī Mashhadī, Muḥammad ibn Muḥammad Riḍā. (1990). *Tafsīr Kanz al-Daqā'iq wa Baḥr al-Gharā'ib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. Publishing and Printing Organization.
- Qurashī, 'Ali Akbar. (1371 SH/1992). *Qāmūs al-Qur'ān*, 2nd edition. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Rutter, M. (2012). Resilience As a Dynamic Concept. *Development and Psychopathology*, 24

- (2), 335–344. <https://doi.org/10.1017/S0954579412000028>
- Shakerian, A. Ghaderi, D. Abedini, M. (2020). The Assessment of Spirituality and Religious Commitment: Development and Validation of An Indigenous Persian Instrument. *Journal of Religion and Health*, 59 (1), 100-115. <https://doi.org/10.1007/s10943-019-00934-9>.
- Shāribī, Sayyid Quṭb. (1412 AH/1991). *Fī Zilāl al-Qurʿān*, 17th edition. Beirut: Dār al-Shurūq.
- Shawkānī, Muḥammad. (1414 AH/1993). *Fath al-Qadīr*. Syria: Dār Ibn al-Kathīr.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd edition. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Ṭabarī, Abū Jaʿfar Muḥammad ibn Jarīr. (1420 AH/1999). *Jāmiʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurʿān*, 1st edition. Qom: Muʿassasat al-Risālah.
- Ṭabāṭabāʾī, Muḥammad Ḥusayn. (1374 SH/1995). *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurʿān*, 5th edition. Qom: Daftār-e Intishārāt-e Islāmī.
- Taffīsī, Abū al-Faḍl. (1371 SH/1992). *Wujūh al-Qurʿān*, 2nd edition. Annotator: Jalāl Matīnī. Tehran: University of Tehran Publications.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (n.d.). *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurʿān*. Beirut: Dār Ihyaʿ al-Turāth al-ʿArabī.
- Zamakhsharī, Maḥmūd ibn ʿUmar. (1407 AH/1987). *al-Kashshāf ʿan Ḥaqāʾiq Ghawāmiḍ al-Tanzīl*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿArabī.

## | Extended Abstract |

## Examining the Concept of “Divine Trial” in the Qur’ān and Its Relation to Individual and Social Development

Fatemeh Mohammadi , Zahra Abbasi

**Research Objective:** The aim of this study is to examine the relationship between divine trials and the strengthening of human psychological capacities, and to determine whether divine trials can reinforce social bonds among people. More precisely, the study investigates the relationship between divinely ordained hardships and two key concepts: resilience, referring to how trials enhance personal strength and determination, and social capital, referring to how afflictions increase trust, solidarity, and cohesion among members of society. Accordingly, the main question of this research is to identify and analyze the relationship of these two concepts with divine trials and tests.

**Research Methodology:** For this study, the Qur’ānic vocabulary used in this context—such as *fitnah*, *balā’*, and *tamhīṣ*—was thoroughly examined through the study and analysis of Qur’ānic verses using authoritative Qur’ānic exegeses such as *al-Mizān*, *Tasnīm*, *al-Tahrīr wa l-Tanwīr*, and *al-Kashshāf*. In parallel, the theories of “psychological resilience” and “social capital” served as foundational frameworks to link the Qur’ānic concepts with these theoretical perspectives.

In analyzing the meanings of *imtiḥān*, *ibtalā’*, and similar terms, authoritative Qur’ānic exegetical sources with social perspectives, including *al-Mizān*, *Tasnīm*, and *Nemūneh* from the Shī’a tradition, and *Tafsīr Kabīr*, *Fath al-Qadīr*, and *al-Tahrīr* from the Sunni tradition, were used. In the domain of social sciences, the works of authors such as Rutter and Putnam were utilized. The data extracted from the Qur’ānic exegeses were coded through a three-stage process, which led to the final results. The first, open coding, where the verses and Qur’ānic exegeses were read line by line and the initial words and concepts were separated—for example, testing with good and evil, patience, trust in God, screening, and purification. The second, axial coding, where these elements were then grouped into broader concepts such as the duality of testing instruments, patience as a reaction, trust and certainty, and collective purification and screening. The third, selective coding, where the conceptual alignment between divine testing and the model of social development was articulated.

**Findings:** The research shows that the Holy Qur’ān uses three principal terms to describe the divine law of testing, each revealing a layer of its profound meaning. These terms not only have etymological significance but are interpreted in the Qur’ānic exegeses as instruments for individual and social growth. The three terms are: *ibtalā’* (trial), *fitnah* (ordeal), and *tamhīṣ* (purification). Together, they provide a comprehensive depiction of the divine tradition of testing. Although these terms all indicate divine testing, the study assigns each a distinct function within the proposed conceptual model:

- *Ibtalā’* and the individual dimension (cognitive and behavioral stages): The root meaning of *ibtalā’*—testing to reveal hidden capacities—corresponds to cognitive (awareness of the challenge) and behavioral stages (patience and righteous action), offering a theoretical basis for resilience.

• **Fitnah and the collective dimension (educational–evolutionary stage):** The refining nature of fitnah aligns with purification and screening, linking it to social capital (such as intra-group trust during crises).

From a conceptual analysis perspective, the trials of prophets and social groups in the Qurʾān provide concrete examples of spiritual resilience and social capital manifesting under the harshest historical conditions. At the individual level, the trial of Prophet Joseph (Yūsuf) in confronting temptation and later political power exemplifies willpower and self-regulation. The perseverance of Prophet Noah (Nūh) in facing prolonged ridicule from his people (Qurʾān 8:38), and the hope of Prophet Zechariah (Zakariyā) in the face of despair (Qurʾān 3:40), provide a theoretical framework for persistence in mission and avoidance of despair. These examples demonstrate that Qurʾānic resilience is an active state rooted in awareness of the wisdom behind trials, leading to post-crisis growth.

In deeper dimensions of resilience, the story of Prophet Job (Ayyūb) as a symbol of patience amid illness and loss represents the highest level of cognitive resilience and active acceptance of destiny. The trial of the Companions of the Cave (Ashāb al-Kahf) (Qurʾān 18:10) is another example of spiritual resilience in the face of political and social pressures, providing context for interpreting steadfastness in faith under oppression. These behavioral patterns confirm that in the Qurʾānic worldview, success in trials not only prevents psychological collapse but elevates the individual to the level of firm resolve and strong character.

At the collective level, social trials correspond to processes of screening and refining human networks, leading to the enhancement of social capital. The test of Saul’s (Ṭālūt’s) army with the river (Qurʾān 2:249) is a classic example of impulse control at the group level, where limiting access to water identified strong-willed individuals and produced a cohesive core with high intra-group trust. This demonstrates how crises serve as mechanisms for refining ranks and generating sustainable collective strength.

**Conclusion:** Ultimately, this study demonstrates that in the domain of personal development, resilience in the face of crises is directly enhanced through the cognitive reframing of suffering as a “tradition of purification” (tamhīs). Implementing the study’s three-stage model transforms psychological pressures into opportunities for human existential growth; through self-regulation and impulse-control techniques (derived from the behavioral models of Joseph and Saul (Ṭālūt)), individual resilience can shift from a passive reaction to an active, perfection-seeking process. Consequently, this model has definitive applicability in counseling centers and educational systems as an operational package for character reconstruction and strengthening willpower against environmental shocks.

At the collective level, the study introduces social screening processes as a practical mechanism for developing qualitative social capital. The findings show that collective crises provide an operational context for separating effective forces from weak elements, strengthening networks of trust and cohesion within the core of society. Implementing mutual supervision and adherence to shared norms (derived from the analysis of the Sabbath-breakers) offers policymakers an executable strategy to immunize social structures and achieve collective stability against external threats. This approach transforms crisis management from a reactive measure into a foundational strategy for the qualitative development of human capital.

**Keywords:** Divine trial; Tribulation; Individual development; Social development; Qurʾānic exegesis